

طبیعت؛ موجودی هوشمند در جهان بینی الهی

آیت الله دکتر سید مصطفی محقق داماد،
رئیس گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم
و رئیس بخش کلام موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

جناب استاد محقق داماد یکی از موضوعاتی که در فرهنگ و تمدن اسلامی به آن بسیار بها و اهمیت بسیاری داده شده بحث طبیعت و محیط زیست آدمی است. چرا که این موضوع نه تنها با جان آدمی سر و کار دارد بلکه با فکر و اندیشه انسان نیز ارتباط مستقیمی دارد. بسیاری از علما، فیلسوفان و عرفا مبانی اندیشه هایشان را از طبیعت الهام گرفته‌اند و حتی هنرمندان نیز با الهام از طبیعت به خلق آثاری در زمینه های مختلفی مانند معماری، ساخت مساجد و مناره ها، موسیقی، نقاشی و تذهیب اقدام کرده‌اند. لذا بحث طبیعت از مباحث بنیادین در فرهنگ و باور اسلامی است.

نظر شما در این مورد چگونه است؟

یکی از مهمترین مسائل و دغدغه های انسان معاصر موضوع طبیعت و محیط زیست است. این قضیه تا بدانجا حساس شده که به آن بحران محیط زیست نیز اطلاق می‌کنند. این بحران نیز به واسطه نوع تفکر انسان و نگرش او به طبیعت به وجود آمده است. به عبارتی دیگر علت اساسی بحران محیط زیست و تخریب طبیعت و از میان رفتن منابع ارزشمند طبیعت که به نابودی محیط زندگی انسان انجامیده است، نگرش و رویکرد جدیدی است که انسان پس از دوران رشد علمی جدید و صنعتی شدن به طبیعت داشته است. علم جدید طبیعت را به مثابه ماده ای بی جان می‌داند که انسان قدرت و اجازه هر گونه دخل و تصرف را در آن دارد و مشکل تجاوز به طبیعت از همین جا ناشی می‌شود، حال آنکه در فرهنگ های سنتی و شرق و به ویژه اسلام و در تصور و اندیشه شیعی و ایران زرتشتی قبل از اسلام طبیعت ودیعه ای الهی است که انسان موظف به رعایت احترام، قداست و حفظ تعادل در آن است.

از نگرش شما مشخص است نگاهی فرامادی و به تعبیر دیگر مادی انگاشتن موضوعات مرتبط با محیط زیست و طبیعت را اشتباه می‌دانید بلکه می‌بایست نگاهی مبنایی و معنوی به طبیعت داشت.

دقیقاً مقصود من همین است، چرا که بحران زیست محیطی بشر معاصر، بحرانی معنوی است نه مادی و در جهان بینی ها و نگرش ها و نگاه انسان امروز به طبیعت و تفسیری که از طبیعت ارائه می‌دهد، ریشه دارد و مادام که نگاه انسان معاصر به عالم هستی بر بنیادی غیر مادی استوار نگردد و رابطه او با محیط پیرامونش اصلاح نشود از چنبره این بحران نجات نخواهد یافت. علم گرایی انسان به همراه انسان گرایی او که نوعی خود پرستی را تداعی می‌کند از مهمترین عوامل سلطه جویی انسان قرون اخیر از طبیعت است. در واقع انسان که به شیوه فرعون، خویش را مالک بلامنازع زمین می‌شمارد و در برابر خداوند و معنویت و قوانین حاکم بر طبیعت و حتی نسبت به خویش طغیان

کرده است خود را مجاز به هر گونه دخل و تصرفی در طبیعت می‌پندارد. انسان علی‌رغم پیشرفت های تکنیکی و مادی و علمی از نظر معنوی به قهقرارفته و دچار نوعی بت پرستی شده است. او علم را به مثابه بتی بر تارک هر آنچه می‌سازد قرار داده و به آن سجد می‌کند و جالب است که این بت نیز الوهیت خویش را باور کرده و امر بر او مشتبه شده است و هر گونه مفاهیم دارای مفاد روح و روان را بر آستانش سر نسایند و تسلیم بی چون و چرای او نشوند، بدون محاکمه از دم تیغ می‌گذرانند.

تعریف این گونه جهان بینی از ماده چگونه خواهد بود؟

این جهان بینی طبیعت را ماده ای بی جان و فاقد معنی معرفی می‌کند و هر گونه تصرف در آن به منظور کسب ثروت و پاسخ به امیال و هواهای نفسانی مجاز می‌باشد، در حالی که در جهان بینی الهی طبیعت موجودی هوشمند و دارای حیات و معنی و دارای ملکوت است و قوانینی بر آن حاکم است که تخطی از آنها زمینه مبارزه جهان را با عنصر خاطی فراهم می‌آورد که نتیجه آن یا اصلاح و به راه آمدن یا هلاک عناصر و عضو خاطی حتی اگر انسان باشد، خواهد بود. به دیگر سخن جهان بینی الهی تبیین معنوی جهان است و نمی‌تواند جهان طبیعت و عالم وجود و اجزای آن را پوچ و بی‌شعور قلمداد کند. انسان موجد هستی را نه دستگاهی مادی، بی‌شعور، بی‌هدف و پوچ که یک پیکره زنده،